

The Study of Economic and Social Status of Iranian female-headed households: a secondary analysis

Ahmad Dorahaki^{1*}, Reza Noubahkt²

1. Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
2. Faculty of Social and Economic Sciences, Payame Noor University, Iran

Received: 27 May 2021

Accepted for publication: 15 June 2020

[EPub a head of print-17 July 2021]

Payesh: 2021; 20 (4): 427- 437

Abstract

Objective (s): In Iran, recent official data show a growing trend in the number of female-headed households. On the other hand, female-headed households are known as vulnerable groups in society that need attention in various social, economic and health aspects.

Methods: This study used the secondary analysis of the combined file of household characteristics and personal characteristics of 2% of the general population and housing census data of 2016, which was collected by the Statistics Center of Iran. The extracted variables analyzed by individual level included age, number of children, marital status, place of residence, migration status, education, literacy, working status and household level variables included number of household members, living area measured in square meters, residential house ownership and type of residential house.

Results: Based on the analysis of 2% of the census data, female-headed households constitute 12.5% of the Iranian heads of households. The percentage of caretaker is significantly related to age and about 50% of women-headed households are 60 years and older. Marital status also indicates that 68% of the reasons for headed women are due to the death of the husband and 12% are due to divorce. Also, 14% of women who have a husband are heads of households. 44% of women-headed households are living in single family, and female-headed households are less mobile than male-headed households. Literacy is significantly related to gender and 54% of female-headed households are illiterate. Only 14% of women -headed households are employed. 24.8% of women -headed households live in mortgaged and rented houses and about 7% of them live in houses with 40 square meters and less.

Conclusion: According to the results of the present study, it can be said that the leading challenges of women -headed households follow three cultural dimensions such as issues related to widowhood and barriers to remarriage, economic dimensions such as housing and employment and demographic issues such as living in single family. Policy-making is necessary in all three dimensions.

Key Words: Women Heads of Household, Census, Economic and Social Status, Iran

* Corresponding author: Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
E-mail: Ahmaddorahaki@gmail.com

بررسی وضعیت اقتصادی و اجتماعی زنان سرپرست خانوار ایرانی: یک آنالیز ثانویه

احمد دراهکی^{۱*}، رضا نوبخت^۲

۱. دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
۲. دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۲۵

آنشر الکترونیک پیش از انتشار - ۲۶ تیر ۱۴۰۰

نشریه پایش: ۴۳۷ - ۴۲۷ (۴): ۲۰، ۱۴۰۰

چکیده

مقدمه: در ایران داده‌های رسمی از روند رو به رشد تعداد زنان سرپرست خانوار در دهه‌های اخیر حکایت دارند. از سوی دیگر زنان سرپرست خانوار از جمله گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه شناخته می‌شوند که از جهات گوناگون اجتماعی، اقتصادی و سلامت نیازمند توجه هستند.

مواد و روش کار: در این پژوهش از تحلیل، جمع‌آوری شده فایلهای تلفیق شده ویژگی‌های خانوار و ویژگی‌های فردی دو درصد داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، جمع‌آوری شده توسط مرکز آمار ایران استفاده شد. متغیرهای استخراج شده در سطح فردی شامل سن، تعداد فرزند، وضعیت زناشویی، محل سکونت، وضعیت مهاجرت، تحصیلات، وضعیت سواد، وضع فعالیت و متغیرهای سطح خانوار شامل تعداد اعضای خانوار، متراژ واحد مسکونی، مالکیت منزل مسکونی و نوع منزل مسکونی تحلیل شد.

یافته‌ها: بر اساس تحلیل داده‌های دو درصد سرشماری، زنان سرپرست خانوار ۱۲/۵ درصد از سرپرستان خانوار ایرانی را تشکیل می‌دهند. درصد سرپرستی ارتباط معنادار با سن داشته و حدود ۵۰ درصد از زنان سرپرست خانوار ۶۰ سال و بالاتر بودند. وفق نتایج وضعیت زناشویی نیز بیانگر این موضوع که ۶۸ درصد از علت سرپرستی زنان، فوت همسر و ۱۲ درصد به دلیل طلاق است. همچنین ۱۴ درصد از زنان دارای همسر، نیز سرپرست خانوار هستند. ۴۴ درصد از خانوارهای زن سرپرست، تک نفره می‌باشد و زنان سرپرست به لحاظ مهاجرتی توانمندی تحرک و جابه‌جایی کمتری نسبت به مردان سرپرست خانوار دارند. وضعیت سواد ارتباط معنادار با جنسیت دارد و ۵۴ درصد از زنان سرپرست خانوار بی‌سواد هستند. تنها ۱۴ درصد از زنان سرپرست خانوار شاغل هستند. ۲۴/۸ درصد از زنان سرپرست خانوار در منازل رهن و اجاره‌ای ساکن بوده و حدود ۷ درصد از آنها در منازل با متراژ ۴۰ متر و کمتر ساکن هستند.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج پژوهش حاضر می‌توان گفت چالش‌های پیشرو زنان سرپرست خانوار از سه بُعد فرهنگی مانند مسائل مرتبط با بیوگی و موانع ازدواج مجدد، بُعد اقتصادی مانند مسکن و اشتغال و مسائل جمعیتی مانند زندگی در خانوارهای تک نفره پیروی می‌کنند که سیاستگذاری در هر سه بُعد لازم و ضروری است.

کلیدواژه: زنان سرپرست خانوار، سرشماری، وضعیت اقتصادی و اجتماعی، ایران

* نویسنده پاسخگو: تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعی، گروه جمعیت‌شناسی

E-mail: Ahmaddorahaki@gmail.com

مقدمه

در ایران داده‌های رسمی از روند رو به رشد تعداد زنان سرپرست خانوار در دهه‌های اخیر حکایت دارند؛ به طوری که در سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ خانوارهای زن سرپرست به ترتیب ۷/۳، ۸/۴، ۹/۴ و ۱۲/۱، ۱۲/۷ درصد از کل خانوارهای ایرانی را تشکیل داده‌اند [۱]. بر مبنای تعریف سازمان بهزیستی، زنان سرپرست خانوار به زنانی گفته می‌شود که عهده‌دار تامین معاش مادی و معنوی خود و اعضای خانوار هستند. مطابق تعریف مرکز آمار ایران، زنان سرپرست خانوار به کسانی گفته می‌شوند که بدون حضور منظم و یا حمایت یک مرد بزرگسال سرپرستی خانوار را برعهده می‌گیرند و مسئولیت اداره اقتصادی خانواده، تصمیم‌گیری‌های عمده و حیاتی با آنهاست [۲]. مطالعات نشان می‌دهد این گروه زنان به طور عمده شامل زنان بیوه، مطلقه، همسران مردان معتاد، همسران مردان زندانی، همسران مردان مهاجر، زنان خودسرپرست، همسران مردان از کارافتاده و معلوند که خود توجه مضاعف به این قشر از جامعه را می‌طلبند [۲].

موضوع زنان سرپرست خانوار از جهات گوناگون می‌تواند به عنوان یک مسئله اجتماعی مطرح شوند: ۱- سرپرستی خانوار نیازمند تامین منابع مالی و معنوی اعضای خانواده است و بر اساس تقسیم کار جنسیتی رایج نقش سرپرستی بر عهده مردان است و زنان از ابتدا برای انجام این نقش آموزش و تربیت داده نمی‌شوند [۳]. ۲- در شرایطی که به هر دلیلی تقسیم کار جنسیتی، کارکردش را از دست دهد زنان با موقعیت دشواری مواجه می‌گردند. مهم‌ترین مسئله قرار گرفتن در یک موقعیت ایفای نقش‌های دوگانه داخل و خارج از خانه است. ایفای نقش مادری و تلاش برای فرصت‌های شغلی می‌تواند باعث ایجاد فشار نقش بر زنان شود [۳]. ۳- زنان سرپرست خانوار اساساً دسترسی کمتری به منابع کار، زمین، بازارهای بیمه دارند و همچنین تبعیض‌ها از طریق هنجارهای اجتماعی و عدم تحرک اقتصادی بر روی آنها قرار دارد. این عوامل باعث آن شده است که از دهه ۱۹۹۰ به این طرف بحث زنانه شدن فقر به صورت جدی در میان اقتصاددانان مطرح شود [۴]. در این میان شواهد نشان دهنده آن است که زنان سرپرست خانوار فقر مضاعف و آسیب‌پذیری بیشتری دارند [۵]. این مسئله در رابطه با جامعه ایرانی نیز مصداق پیدا می‌کند مطالعات نشان می‌دهند نسبت بالای زنان زیر خط فقر به ویژه فقر شدید، زنان سرپرست خانوار هستند [۶]. ۴- زنان سرپرست خانوار مجبور به انجام

نقش‌های چندگانه بعد از فقدان همسرشان می‌شوند. آنها مجبورند تا در کارهای حاشیه‌ای و پاره وقت، غیر رسمی و با درآمد‌های پایین به دلیل عدم دسترسی به مشاغل با درآمد بالاتر مشغول شوند [۷]. این گروه از زنان به لحاظ حفظ سلامت به دلایل وضعیت اقتصادی و اجتماعی ضعیف و مسئولیت‌های چندگانه آسیب‌پذیرترند [۸]. آنها همچنین از استرس، اختلال‌های ذهنی، افسردگی و فقر فرهنگی و مالی رنج می‌برند [۹-۱۱].

مسئله اصلی تحقیق حاضر از آنجا شروع می‌شود که با مروری بر مطالعات انجام شده در زمینه زنان سرپرست خانوار در ایران می‌توان آنها را به سه دسته کلی تقسیم‌بندی کرد: ۱- تحقیقات آماری که در تلاش‌اند تعداد زنان سرپرست خانوار را محاسبه کنند. این تحقیقات بیشتر توسط سازمانها و ارگانهای دولتی ارائه دهنده به زنان و یا توسط مرکز آمار و در جریان سرشماری انجام می‌شود. نتایج این پیمایش‌ها یا اغلب به صورت عمومی منتشر نمی‌شوند یا تحقیقات انجام شده اطلاعات محدودی بر اساس تعداد زنان سرپرست خانوار با توجه به نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در اختیار محققان قرار می‌دهند. بنابراین در این زمینه به رغم اهمیت موضوع خلاء جدی در زمینه اطلاعات رسمی از زنان سرپرست خانوار در کشور وجود دارد. از جمله تحقیقاتی که با توجه به آمارهای رسمی انجام شده است می‌توان به مطالعه عابدی دیزناب، عباسی و علی ماندگاری [۱۲] مبتنی بر داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن اشاره نمود. ۲- دسته دوم تحقیقاتی هستند که تاثیر مداخلات خاص در توانمند شدن یا قدرتمند شدن زنان سرپرست خانوار را بررسی می‌کنند برای مثال نقش کسب و کارهای کوچک در تامین نیازهای زنان [۱۳] و تاثیر اشتغال بر کیفیت زندگی زنان [۱۴، ۱۵]. ۳- دسته سوم تحقیقاتی هستند که آثار و پیامدهای سرپرستی زنان بر خانواده را بررسی می‌کنند که طیف بسیار وسیعی از تحقیقات را در حوزه اجتماعی و روانشناختی در برمی‌گیرند [۲۰-۱۷].

بنابراین با توجه مطالعات داخلی انجام شده در زمینه زنان سرپرست خانوار در ایران می‌توان گفت خلاء اصلی تحقیقاتی در این زمینه بیشتر در دسته اول است. تحقیق حاضر با استفاده از داده‌های دو درصد سرشماری ۱۳۹۵ و با ادغام دو فایل فردی و خانوار در صدد است تصویری روشن‌تر از وضعیت اقتصادی و اجتماعی زنان سرپرست خانوار ایرانی ترسیم کند و همچنین توانمندی‌ها و چالش‌های فرارو این قشر از جامعه را مورد کنکاش و بررسی قرار

است که ۱۲/۷ درصد خانوارهای ایرانی زن سرپرست هستند تقریباً مطابقت دارد و بیانگر صحت و دقت داده‌های ۲ درصد سرشماری است. به طور کلی بر اساس سرشماری‌های سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ خانوارهای زن سرپرست به ترتیب ۷/۳، ۸/۴، ۹/۴ و ۱۲/۱، ۱۲/۷ درصد از کل خانوارهای ایرانی را تشکیل داده‌اند. در جدول ۱، برخی ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی و نیز جمعیتی زنان سرپرست خانوار ارائه گردیده است. یافته‌ها نشان می‌دهد حدود ۵۰ درصد از زنان سرپرست خانوار ۶۰ سال و بالاتر هستند و حدود ۲۰ درصد از زنان سرپرست نیز در گروه سنی ۵۰-۵۹ ساله قرار دارند. در گروه سنی ۲۹ ساله و کمتر تنها ۵ درصد از زنان بعنوان سرپرست هستند. به نظر می‌رسد با افزایش سن، تعداد زنان سرپرست خانوار افزایش یافته است، به ویژه بعد از سن ۵۰ سالگی که موضوع از دست دادن همسر به دلیل فوت و طلاق مهمترین عامل در سرپرست شدن زنان است. وضعیت زناشویی نیز بیانگر این موضوع است ۶۸ درصد از علت سرپرستی زنان، فوت همسر و ۱۲ درصد به دلیل طلاق است. همچنین ۱۴ درصد از زنانی که دارای همسر هستند نیز سرپرست خانوار هستند که این موضوع به ناتوانی و از کارافتادگی همسران آنها ارتباط دارد. تعداد اعضای خانوار به عنوان یک متغیر جمعیتی مهم بیان می‌کند، ۴۴ درصد از خانوارهای زن سرپرست، تک نفره هستند که این موضوع بی ارتباط با سن این زنان نیست و به نظر می‌رسد این گروه از زنان سرپرست خانوار در سنین بالای ۶۰ سال قرار دارند. تعداد فرزندان زنان سرپرست نشان می‌دهد که تقریباً تمامی زنان سرپرست خانوار دارای حداقل یک فرزند هستند. توزیع جغرافیایی زنان نشان می‌دهد ۷۰ درصد زنان ساکن مناطق شهری و ۳۰ درصد ساکن مناطق روستایی هستند. علاوه بر این، وضعیت مهاجرتی زنان سرپرست خانوار نشان می‌دهد تنها ۳ درصد از افراد در ۵ سال گذشته محل سکونت خود را جا به جا کرده‌اند. به نظر می‌رسد، علاوه بر سن برای زنان بالاتر از ۶۰، وضعیت اقتصادی زنان سرپرست خانوار در تحرک پایین نقش دارد. جدول ۲، ویژگی‌های اجتماعی زنان سرپرست خانوار ارائه می‌دهد. نتایج جدول بیان می‌کند، ۵۴ درصد از زنان سرپرست خانوار بی‌سواد و ۴۶ درصد باسواد هستند. بر اساس متغیر میزان تحصیلات، ۴۰ درصد از زنان دارای تحصیلات ابتدایی، ۲۱ درصد دیپلم و حدود ۱۶ درصد نیز دارای تحصیلات عالی هستند. بنابراین، حدود ۶۰ درصد از زنان سرپرست خانوار دارای تحصیلاتی پایین‌تر از دیپلم هستند.

دهد. در نهایت با توجه به شواهد و آمارهای رسمی الزامات سیاستی را مطرح نماید. با توجه به اینکه مطالعاتی که زمینه زنان سرپرست خانوار در ایران انجام شده‌اند اغلب به صورت یک پیمایش کمی یا تحقیقات کیفی در حجم نمونه کم بوده‌اند استفاده از فایل دو درصد سرشماری می‌تواند اطلاعات ارزشمندی از وضعیت اقتصادی و اجتماعی زنان سرپرست خانوار همچنین توانمندی‌ها و چالش‌های آنها را در اختیار محققان، برنامه‌ریزان و سیاستگذاران این حوزه قرار دهد.

مواد و روش کار

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی زنان سرپرست خانوار ایرانی، توانمندی‌ها و چالش‌های پیشروی آنها است. در این راستا این پژوهش از تحلیل ثانویه داده‌های دو درصد داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ که توسط مرکز آمار ایران جمع‌آوری شده است استفاده کرد. این داده‌ها در دو فایل مشخصات فردی و مشخصات خانوار جمع‌آوری و طبقه‌بندی شده بودند که برای این تحقیق دو فایل فردی و خانوار با استفاده از کدهای مرتبط با یکدیگر ترکیب شده‌اند. فایل خانواری شامل اطلاعات خانوارهای نمونه در واحدهای مسکونی آنها است. در فایل فردی نیز اطلاعات افراد خانوارهای نمونه ارائه شده که این دو فایل قابل اتصال به یکدیگر هستند. این دو فایل حاوی اطلاعات ارزشمندی در رابطه با ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی زنان سرپرست خانوار ایرانی است که در تحقیق حاضر مورد پردازش و تحلیل آماری و در نهایت مورد تبیین و بررسی قرار می‌گیرند. در داده‌های دو درصد سرشماری چارچوب نمونه‌گیری، فهرست خانوارهای معمولی ساکن و گروهی حاصل از سرشماری در نظر گرفته شده است. واحد نمونه‌گیری، خانوار معمولی و گروهی است و روش نمونه‌گیری در سطح هر منطقه شهری/روستایی شهرستان‌های کشور به صورت تصادفی ساده طبقه‌بندی شده و در نظر گرفته شده است. طبقه‌بندی در سطح شهرستان بر اساس نقاط شهری/روستایی شهرستان انجام شده است. کسر نمونه‌گیری در هر طبقه ۲ درصد بوده است.

یافته‌ها

بر اساس نمونه دو درصد سرشماری ۱۳۹۵، از میان ۳۱۵۵۷۴ نفر سرپرست خانوار، ۸۷/۵ درصد از نمونه را خانوارهای مرد سرپرست و ۱۲/۵ درصد را خانوارهای زن سرپرست تشکیل می‌دهند. این درصد با داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵ که بیانگر آن

ارتباط نوع خانوار و جنسیت ارتباطی معنادار و قابل توجه است. ۶۸ درصد از خانوارهای تک نفره را مربوط به زنان است در حالیکه درصد مردان برای خانوارهای دو نفره بیشتر در مقایسه با زنان در سطح بالایی قرار دارد. به نظر می‌رسد از طرفی بیشتر خانوارهای تک نفر زنان به زنانی اختصاص دارد که در سن بالاتر از ۶۰ سال قرار دارند و مردان خود را به دلیل کهولت سن از دست داده اند و دیگر اینکه درصد کمتری از زنان در هر سنی، بعد از دست دادن همسر (طلاق، فوت) ازدواج مجدد دارند. متغیر وضعیت مهاجرتی بیانگر این است که مردان سرپرست خانوار توانمندی تحرک و جابه جایی بالاتری نسبت به زنان سرپرست خانوار دارند.

مقایسه توانمندی‌های اجتماعی زنان و مردان، در جدول ۷ نشان می‌دهد وضعیت سواد ارتباط معناداری با جنسیت دارد. در حالی که فقط ۱۴/۸ درصد مردان سرپرست خانوار بی‌سواد بوده‌اند این درصد برای زنان سرپرست خانوار ۵۳/۶ است. در رابطه با سطح تحصیلات در حالی که ۲۱/۴ درصد از مردان سرپرست خانوار دارای تحصیلات عالی هستند این رقم برای زنان سرپرست خانوار ۱۵/۷ درصد است. این موضع بیان کننده این است که توانمندی‌های اجتماعی زنان سرپرست خانوار از مردان در سطح پایین تری قرار دارد و می‌تواند بر سایر توانمندی‌های دیگر این قشر آسیب پذیر بویژه در سنین سالمندی تاثیر گذار باشد.

توانمندی اقتصادی افراد سرپرست خانوار یکی دیگر از موضوعات و مفاهیم دارای اهمیت است که جدول ۸، به آن اشاره نموده است. نکته قابل تامل در ارتباط با نوع مسکن زنان درصد بالای مسکن چادر، کپر و آلونک برای زنان سرپرست خانوار در مقایسه با دیگر انواع مسکن است. با توجه به اطلاعات جدول مذکور از میان ۱۷۳۰ نفر سرپرست خانوار که در چادر، کپر و آلونک زندگی می‌کردند ۱۹/۵ درصد سهم زنان سرپرست خانوار و ۸۳/۶ درصد سهم مردان سرپرست خانوار بوده است. با توجه به ویژگی‌های اجتماعی و توانمندی پایین اجتماعی زنان سرپرست، این موضوع نیز می‌تواند بر ناتوانی بیشتر آنان اثرگذار باشد.

ویژگی‌های اقتصادی زنان سرپرست خانوار بر اساس جدول ۳، بیانگر این است که تنها ۱۴ درصد از این زنان شاغل و ۶۳ درصد خانه‌دار هستند. همچنین ۱۴ درصد از زنان دارای درآمد بدون کار هستند که به نظر می‌رسد این درآمد از طریق املاک، فرزندان و یا برخی سازمانهای حمایت کننده (بهبیستی، کمیته امداد) تامین می‌گردد. مالکیت منزل مسکونی بعنوان یکی دیگر از متغیرهای اقتصادی نشان می‌دهد ۶۳ درصد از زنان سرپرست خانوار دارای منزل ملکی هستند و ۲۴/۸ درصد زنان سرپرست خانوار در منازل رهن و اجاره‌ای ساکن هستند. همچنین متراژ منزل مسکونی نیز بیانگر این است که بیش از ۹۰ درصد از زنان سرپرست خانوار در منزل بالای ۴۰ متر زندگی می‌کنند. از طرفی بیش از ۵۰ درصد از زنان نیز در منازل بالای ۸۰ متر زندگی می‌کنند. نکته حائز اهمیت نیز آن است که حدود ۷ درصد زنان سرپرست خانوار در منزل مسکونی متراژ ۴۰ متر و کمتر زندگی می‌کنند.

ویژگی‌های جمعیتی سرپرست‌های خانوار به تفکیک جنسیت (مرد، زن) در جدول ۴ بیان می‌کند، درصد سرپرستی ارتباط معنادار با سن دارد. این بدین معنی است که در سنین کمتر از ۵۰ سال درصد مردان سرپرست خانوار در جامعه غالب است در حالیکه بعد از ۵۰ سالگی درصد زنانی که سرپرستی خانوار را بر عهده دارند به صورت محسوسی افزایش می‌یابد. این افزایش را می‌توان به از دست دادن همسر برای زنان در اثر فوت عنوان نمود که متغیر وضعیت زناشویی این وضعیت را به درستی ترسیم می‌کند. بررسی متغیر وضعیت زناشویی برای سرپرست‌های خانوار، به نوعی نشان دهنده مسئله بیوگی و موانع پیشروی ازدواج مجدد برای زنان سرپرست خانوار است. همانگونه که در جدول مذکور مشاهده می‌شود از میان ۳۰۷۴۱ سرپرست خانوار که به علت فوت همسر ثبت شده است ۸۷/۶ درصد سهم زنان و ۱۲/۴ درصد سهم مردان بوده است. همچنین از میان ۶۸۹۲ سرپرست خانوار به علت طلاق ۶۹/۳ درصد سهم زنان و ۳۰/۷ درصد سهم مردان بوده است. شاید یکی از چالش‌های اساسی پیشروی زنان سرپرست مسئله بیوگی و ازدواج مجدد باشد.

جدول ۱: ویژگی های جمعیتی زنان سرپرست خانوار در سرشماری ۱۳۹۵

متغیر	درصد	متغیر	درصد
سن		تعداد اعضای خانوار	
۰-۲۹ ساله	۴/۹	تک نفره	۴۴
۳۰-۴۹ ساله	۱۴/۹	دو نفره	۲۶/۴
۵۰-۵۹ ساله	۱۹/۵۸	سه نفره	۱۷
۶۰-۶۹ ساله	۲۱/۹۳	چهار نفره	۷/۸
۷۰ ساله و بالاتر	۲۷/۱۲	پنج نفره و بالاتر	۴/۸
کل	۳۹۵۶۳	کل	۳۹۵۶۳
وضعیت زناشویی		تعداد فرزند	
دارای همسر	۱۴/۴	بدون فرزند	۰/۲
بی همسر به دلیل فوت	۶۸/۱	۱-۲ فرزند	۲۷/۳
بی همسر به دلیل طلاق	۱۲/۱	۳-۴ فرزند	۲۷/۶
هرگز ازدواج نکرده	۵/۳	بالاتر از ۵ فرزند	۴۴/۹
کل	۳۹۴۹۲	کل	۳۴۹۲۳
توزیع جغرافیایی		وضعیت مهاجرت	
شهر	۷۰/۱	بلی	۳
روستا	۲۹/۹	خیر	۹۷
کل	۳۹۵۶۳	کل	۳۹۵۳۹

ماخذ: پردازش داده‌های دو درصد سرشماری ۱۳۹۵

جدول ۲: ویژگی های اجتماعی زنان سرپرست خانوار در سرشماری ۱۳۹۵

متغیر تحصیلات	درصد	متغیر وضعیت سواد	درصد
ابتدایی	۴۰/۴		
راهنمایی	۱۶/۸	با سواد	۴۶/۳
دبیرستان	۶	بی سواد	۵۳/۶
دیپلم	۲۱	کل	۳۹۵۲۱
تحصیلات عالی	۱۵/۶		
کل	۱۸۸۳۱		

ماخذ: پردازش داده‌های دو درصد سرشماری ۱۳۹۵

جدول ۳: ویژگی های اقتصادی زنان سرپرست خانوار در سرشماری ۱۳۹۵

وضع فعالیت	درصد	متغیر	درصد
شاغل	۱۴/۴	متراژ منزل مسکونی	
بیکار	۱/۱	کمتر از بیست متر	۱/۶
در حال تحصیل	۱/۳	۲۰-۴۰ متر	۵/۳
خانه دار	۶۳/۴	۴۱-۸۰ متر	۳۶/۴
دارا درآمد بدون کار	۱۴/۲	۸۰ تا ۱۰۰ متر	۲۴/۴
سایر	۵/۵	۱۰۱ تا ۱۵ متر	۲۱/۴
کل	۳۹۵۵۴	۱۵۰ متر و بالاتر	۱۰/۹
مالکیت منزل مسکونی		جمع	۳۹۵۶۳
ملکی	۶۳/۱	نوع مسکن	
رهن و اجاره	۲۴/۸	آپارتمانی	۲۳/۶
سایر	۱۱/۹	غیرآپارتمانی	۷۲/۳
کل	۳۷۹۷۷	چادر، کپر، آلونک	۰/۹
		سایر	۳/۲
		کل	۳۹۵۶۳

ماخذ: پردازش داده‌های دو درصد سرشماری ۱۳۹۵

جدول ۷: توزیع سرپرست‌های خانوار (هر دو جنسیت) بر اساس توانمندی اجتماعی

وضعیت سواد	مردان	زنان
با سواد	۸۵/۲	۴۶/۳
بی سواد	۱۴/۸	۵۳/۶
	۲۷۶۰۰۶	۳۹۵۶۰
Phi&Cramers=0.323**		
تحصیلات	مرد	زن
ابتدایی	۲۵/۷	۴۰/۵
راهنمایی و دبیرستان	۲۸/۶	۲۲/۹
دیپلم	۲۴/۳	۲۱
دانشگاه	۲۱/۴	۱۵/۷
	۲۳۴۷۴۷	۱۸۳۱۴
Phi&Cramers=0.110**		

ماخذ: پردازش داده‌های دو درصد سرشماری ۱۳۹۵

جدول ۸: توزیع سرپرست‌های خانوار (هر دو جنس) بر اساس توانمندی اقتصادی

نوع مسکن	سرپرست خانوار	
	مردان	زنان
آپارتمانی	۸۸/۸	۱۱/۲
غیرآپارتمانی	۸۷/۱	۱۲/۹
چادر، کپر، آونک	۸۰/۵	۱۹/۵
سایر	۸۳/۶	۱۶/۴
Phi&Cramers=0.133**		
مالکیت مسکن	مرد	زن
ملکی	۸۷/۷	۱۲/۳
رهن و اجاره	۸۸/۹	۱۱/۱
سایر	۸۳/۲	۱۶/۸
Phi&Cramers=0.145**		
وضع فعالیت	مرد	زن
شاغل	۹۷/۴	۲/۶
بیکار	۹۵/۵	۴/۵
در حال تحصیل	۸۸/۹	۱/۱
خانه دار	۴/۷	۹۵/۳
دارای دارم بدون کار	۸۶/۱	۱۳/۹
سایر	۸۶/۹	۱۳/۱
Phi&Cramers=0.765**		

ماخذ: پردازش داده‌های دو درصد سرشماری ۱۳۹۵

بحث و نتیجه گیری

اقتصادی و سلامت نیازمند توجه هستند. هدف از مطالعه حاضر بررسی ویژگی‌های جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی زنان سرپرست خانوار در ایران با توجه به توانمندی‌ها و چالش‌های پیشروی آنها بود. در این راستا از داده‌های دو درصد سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ که توسط مرکز آمار ایران جمع‌آوری شده بود استفاده گردید. به رغم اهمیت مسئله زنان سرپرست خانوار در ایران اطلاعات اندکی از این گروه با توجه به آمارهای رسمی وجود دارد.

آمارهای رسمی طی سالیان اخیر از روند رو به افزایش زنان سرپرست خانوار در ایران حکایت دارند؛ به طوری که در سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ خانوارهای زن سرپرست به ترتیب ۷/۳، ۸/۴، ۹/۴، ۱۲/۱ و ۱۲/۷ درصد از کل خانوارهای ایرانی را تشکیل داده‌اند [۱]. زنان سرپرست خانوار از جمله گروه‌های آسیب‌پذیر شناخته می‌شوند که از جهات گوناگون اجتماعی،

مسئله سومی که نیاز به توجه بیشتری دارد و بر توزیع جنسیتی و تعداد افراد بیوه تاثیرگذار است الگوی ازدواج مجدد است. در جوامع نظیر جوامع آسیای جنوبی و شرقی، زنان غالباً ازدواج نمی‌کنند هر چند مردان بیوه اغلب ازدواج می‌کنند. مورد بسیار شدید تابوی ازدواج مجدد زنان، اعمال شیوه ساتی در هند است که در آن زن بیوه به طور زنده در قبر شوهر مرده‌اش دفن می‌شد. ازدواج مجدد زنان حتی برای زنان جوان نیز حکم فرماست؛ به ویژه در جوامعی که ارزش زیادی را برای بکارت عروسان قائل هستند. بیوگی زنان و ازدواج مجدد آنها به شدت تابع مسائل فرهنگی است که در جامعه ایران نیز وجود دارد. بنابراین یکی از الزامات سیاستی که در مورد زنان سرپرست خانوار باید مورد توجه و برنامه ریزی قرار گیرد موانع فرهنگی موجود در راستای ازدواج مجدد زنان سرپرست خانوار است. این مسئله علاوه بر اینکه در زمینه سرپرستی زنان به علت فوت همسر نمایان است در علت سرپرستی به علت طلاق نیز کاملاً آشکار است به طوری که از میان ۶۸۹۲ سرپرست خانوار به علت طلاق حدود ۶۹ درصد سهم زنان بوده است که دو برابر درصد مردان بوده است.

چالش دیگر پیشرو زنان سرپرست خانوار که به نظر می‌رسد با توجه به روندهای سالخوردگی جمعیت و روندهای باروری پایین در آینده افزایش یابد زندگی در خانوارهای تک نفره یا مسئله تنهایی آنها باشد. نتایج تحلیل داده‌ها بیانگر آن است که ۴۴ درصد از خانوارهای زن سرپرست، تک نفره هستند که این موضوع بی ارتباط با سن این زنان نیست و به نظر می‌رسد این گروه از زنان سرپرست خانوار بیشتر در سنین بالای ۶۰ سال قرار دارند. همچنین تحلیل داده‌ها نوع خانوار با توجه به دو جنسیت (مرد و زن) بیانگر آن است که ۶۸ درصد از خانوارهای تک نفره مربوط به زنان سرپرست خانوار است. وضعیت مهاجرتی زنان سرپرست خانوار نشان می‌دهد تنها ۳ درصد از زنان سرپرست خانوار در ۵ سال گذشته محل سکونت خود را جا به جا کرده‌اند. به نظر می‌رسد، در این زمینه علاوه بر سن برای زنان بالاتر از ۶۰ سال، وضعیت اقتصادی زنان سرپرست خانوار در تحرک پایین آنها نقش دارد. متغیر وضعیت مهاجرتی برای سرپرستان خانوار (مرد و زن) بیانگر این است که مردان سرپرست خانوار توانمندی تحرک و جابه جایی بالاتری نسبت به زنان سرپرست خانوار دارند.

سطح سواد و تحصیلات پایین یکی دیگر از چالش‌های پیشروی زنان سرپرست خانوار است. تحلیل داده‌های سطح سواد و تحصیلات

داده‌های دو درصد سرشماری با در اختیار گذاشتن دو فایل ویژگی‌های خانوار و ویژگی‌های فردی امکان دستیابی و تحلیل وسیع‌تری را نسبت به داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن و سایر آمارهای رسمی در اختیار محققان قرار می‌دهد که تاکنون مورد توجه نبوده است. نتایج تحلیل و بررسی داده‌ها نشان دهنده آن بود که از میان ۳۱۵۵۷۴ نفر سرپرست خانوار ثبت شده در داده‌های دو درصد سرشماری، ۸۷/۵ درصد از نمونه را خانوارهای مرد سرپرست و ۱۲/۵ درصد را خانوارهای زن سرپرست تشکیل می‌دهند. این درصد با داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵ که بیانگر آن است که ۱۲/۷ درصد خانوارهای ایرانی زن سرپرست هستند تقریباً مطابقت دارد و بیانگر صحت و دقت داده‌های ۲ درصد سرشماری است. تحلیل ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی زنان سرپرست خانوار ایرانی بیانگر آن است که درصد سرپرستی ارتباط معنادار با سن دارد. این بدین معنی است که در سنین کمتر از ۵۰ سال درصد مردان سرپرست خانوار در جامعه غالب است در حالیکه بعد از ۵۰ سالگی درصد زنانی که سرپرستی خانوار را بر عهده دارند به صورت محسوسی افزایش می‌یابد؛ به صورتی که حدود ۵۰ درصد از زنان سرپرست خانوار ۶۰ سال و بالاتر هستند. یکی از مسائل مهم در ارتباط با زنان سرپرست خانوار علت سرپرستی است. تحلیل داده‌های تحقیق حاضر بیانگر آن است که ۶۸ درصد از علت سرپرستی زنان، فوت همسر و ۱۲ درصد به دلیل طلاق است. همچنین ۱۴ درصد از زنانی که دارای همسر هستند نیز سرپرست خانوار هستند که این موضوع به ناتوانی و از کارافتادگی همسران آنها ارتباط دارد. بررسی متغیر وضعیت زناشویی برای سرپرست‌های خانوار، به نوعی نشان دهنده مسئله بیوگی و موانع پیشروی ازدواج مجدد برای زنان سرپرست خانوار نیز است. نتایج تحقیق حاضر بیانگر آن است که از میان ۳۰۷۴۱ سرپرست خانوار (مرد و زن) که به علت فوت همسر ثبت شده است ۸۷/۶ درصد سهم زنان و ۱۲/۴ درصد سهم مردان بوده است. همچنین از میان ۶۸۹۲ سرپرست خانوار (مرد و زن) به علت طلاق ۶۹/۳ درصد سهم زنان و ۳۰/۷ درصد سهم مردان بوده است.

در بسیاری از کشورهای بیوگی بیشتر توسط زنان تجربه می‌شود تا توسط مردان. این بدین علت است که زنان در مقایسه با مردان دارای میزان‌های مرگ و میر پایین‌تری هستند و دیگر اینکه آنها معمولاً با مردان مسن‌تر از خودشان ازدواج می‌کنند. در مناطقی که این تفاوت سنی بزرگ است، احتمال بیوه شدن یک زن بالاست. اما

در یک بیان کلی می‌توان گفت چالش‌های پیشرو زنان سرپرست خانوار از سه بُعد فرهنگی مانند مسائل مرتبط با بیوگی و ازدواج مجدد، بُعد اقتصادی مانند مسکن و اشتغال و بُعد مسائل جمعیتی مانند خانوارهای تک نفره پیروی می‌کنند. بنابراین در کنار توجه به توانمند کردن اقتصادی زنان سرپرست خانوار که می‌تواند از طریق اشتغال‌زایی و ایجاد کسب و کار برای این زنان انجام شود تا به کمک آن از چرخه فقر آنها کاسته و زمینه خروج از آن را فراهم سازد باید به زمینه فرهنگی و جمعیتی نیز توجه شود. با توجه به آنکه تعداد قابل توجهی از زنان سرپرست خانوار ایرانی در سنین بالای ۶۰ سال قرار دارند سالخورده شدن جمعیت بر روند افزایشی آن تاثیرگذار خواهد بود. همچنین تداوم باروری پایین به افزایش خانوارهای تک نفره که سهم بالایی از آن را زنان سرپرست خانوار تشکیل می‌هند اثرگذار خواهد بود. با توجه به آنکه دو علت اصلی خانوارهای زن سرپرست فوت همسر و طلاق است توجه به بحث ازدواج مجدد زنان در جامعه ایرانی و چالش‌ها و موانع پیشروی آن بیش از هر زمانی لازم و ضروری می‌آید.

سهم نویسندگان

احمد دراهکی: طراحی و نگارش مقاله، تحلیل داده‌ها، نتیجه‌گیری و الزمات سیاستی
رضا نوبخت: طراحی مقاله، پردازش داده‌ها، نتیجه‌گیری و الزمات سیاستی

منابع

1. Statistical Center of Iran. Detailed results of population and housing censuses from 1986 to 2016 <https://www.amar.org.ir/> [Persian]
2. Momenzadeh N. A comparative analysis of Women-headed households. *Economic Journal* 2014; 3: 120-95 [Persian]
3. Amadnia S, Ghlibaf kamel A. Women-Headed Households in Tehran: A Qualitative Study of Their Experiences, Challenges and Capacities. *refahj* 2017; 17:103-136 [Persian]
4. Chant S. Gender, generation and poverty: exploring the Feminization of poverty in Africa, Asia and Latin America. 1st Edition. Edward Elgar Publishing: Uk, 2007

برای سرپرستان خانوار بیانگر آن است که وضعیت سواد ارتباط معنادار با جنسیت دارد. در حالی که فقط ۱۴/۸ درصد مردان سرپرست خانوار بی‌سواد بوده‌اند این درصد برای زنان سرپرست خانوار ۵۳/۶ است. در رابطه با سطح تحصیلات در حالی که ۲۱/۴ درصد از مردان سرپرست خانوار دارای تحصیلات عالی هستند این رقم برای زنان سرپرست خانوار ۱۵/۷ درصد است. از آنجا که درصد قابل توجهی از زنان سرپرست خانوار ایرانی در سنین بالای ۶۰ سال بوده‌اند این امر قاعدتا از روندهای سنی نیز تاثیر می‌پذیرد. به نظر می‌رسد با توجه به افزایش سطح تحصیلات زنان در سال‌های اخیر این انتظار می‌رود در آینده این روندها دچار تغییر شود و در زمینه تحصیلات بر توانمندی زنان سرپرست خانوار افزوده شود. این امر شاید بتواند بر سایر توانمندی‌های اجتماعی و اقتصادی زنان سرپرست خانوار تاثیرگذار باشد.

یکی دیگر از چالش‌های اقتصادی پیشروی زنان سرپرست خانوار مسئله اجاره‌نشینی است. تحلیل داده‌های دو درصد سرشماری بیانگر آن بود ۲۴/۸ درصد زنان سرپرست خانوار در منازل رهن و اجاره‌ای ساکن هستند. این روند ممکن با توجه به روندهای افزایشی قیمت مسکن در سالیان اخیر روند افزایشی به خود بگیرد. همچنین تحلیل داده‌ها بیانگر آن بود که حدود ۷ درصد از زنان سرپرست خانوار در منازل مسکونی با متراژ ۴۰ متر و کمتر زندگی می‌کنند که این امر نیز تحت تاثیر افزایش قیمت مسکن ممکن است در سالیان اخیر و پیشرو روند افزایشی به خود بگیرد.

5. Buvinic, M. and G.R. Gupta. Female-Headed Households and Female-Maintained Families: Are They Worth Targeting to Reduce Povert in Developing Countries?. *Economic Development and Cultural Change* 1997; 45: 259 - 280
6. Shaditalab J, Graynejad A. Poverty of women heads of households, *Women's Research Journal* 2004; 2: 70-49 [Persian]
7. Connell J, Brazier J, O'Cathain A, Lloyd-Jones M, Paisley S. Quality of life of people with mental health problems: a synthesis of qualitative research. *Health and Quality of Life Outcomes* 2007; 10:138
8. Ozawa MN, Lee Y, Wang KY-T. Economic conditions of female-headed households in Taiwan in

comparison with the United States and Sweden. *Journal of Comparative Social Welfare* 2007; 27:63-74

9. Burstrom B, Whitehead M, Clayton S, Fritzell S, Vannoni F, Costa G. Health inequalities between lone and couple mothers and policy under different welfare regimes—the example of Italy, Sweden and Britain. *Social Science & Medicine* 2010; 70:912-20

10. Attree P. Low-income mothers, nutrition and health: a systematic review of qualitative evidence. *Maternal & Child Nutrition* 2005; 1:227-40

11. Stewart-Withers R. Contesting a Third World development category: Female-headed households in Samoa. *Women's Studies International Forum* 2011; 34:171-84

12. Abedi Diznab M, Abbasi M, Ali Mandegari M. A Comparative Study of the Characteristics of Female and Male Heads of Households in Urban and Rural Areas (1395 Census of Iran). *Iranian Journal of Official Statistics Studies* 2018; 29:95-113 [Persian]

13. Saadi H. The Role of Small Businesses in Meeting the Basic Needs of Women Heads of Rural Households in Hamadan Province, *Iranian Journal of Agricultural Economics and Development Research* 2012; 44: 282-271 [Persian]

14. Edrisi F, Hatemvand Z. Investigating the Impact Mechanism of Employment on the Quality of Life of Women Heads of Household, *Social Sciences Research Journal* 2012; 4: 127-97 [Persian]

15. Kavand H, Avazalipour M S, Zandi F, Damankeshideh M. The Role of Gender in Economic Participation and the Key Women Employment

Factors: a Case of Iran. *Journal of Economic Policy*. 2010; 6: 189-213 [Persian]

16. Balali Meybodi F, Hosseinpour M, Mahmoudi M, Mehrbakh SH, Haji Maghsoudi S. Prevalence of depression in Women -headed households under the auspices of the Kerman Relief Committee, *Dena Jurnal* 2010; 5: 17-11 [Persian]

17. Irvani, M R. Comparative study of mental health of working women heads of households and ordinary working women in Sari in 2009, *The Women and Family Cultural-Educational Journal* 2011; 5: 145-117 [Persian]

18. Jamali M, Sepah Mansor M, fallahian M. Comparative study of psychological well-being of female heads of house hold & women in male headed households in Tehran. *Women in Development and Politics* 2013; 11: 542-531 [Persian]

19. Hosseini S A, Foruzan A, Amirfaryar M. Assessing the mental health of women heads of households under the auspices of the Welfare Organization of Tehran. *Social Research Journal* 2009; 2: 137-117 [Persian]

20. Yahyazadeh H, Ramezani M (1392). Social health and social factors affecting it Case study: Women heads of households in Qorveh, *Journal of Welfare Planning and Social Development* 2013; 16: 103-68 [Persian]